

ما همه محتاج به نور تویم

اول: زیباترین و شگفت‌ترین آفریده هستی، پیامبر خداست. پیامبری که همه خوبی‌ها، نیکی‌ها و نیکویی‌ها را در عمر ۶۳ ساله او می‌توان یافت. سالی که لحظه‌ها و ثانیه‌ها در حال گذر از نیمه آن می‌باشد، سالی است که سکه به نام او زده‌اند و بندبند مثنوی روزگار را به یاد و نام او معطر ساخته‌اند. از صدر خلقت تا پایان آفرینش هر چه بوده و هست، پروانه‌وار بر گرد وجود پر جاذبه او رقص کنان و شیداست، اگر چه خود ندانند که بر گرد چه کسی حیرانند. آن چه بر درگاه او، در این شماره آورده‌ایم پر کاهی است اندک و ناچیز، به پیشگاه سلیمانی حضرتش. اگر چه آن چه آورده‌ایم نیز در سایه لطف و عنایت حضرتش به دست آمد و هر چه هست، او خود اجازه نگارش و سرایش فرمود. باشد که در سخت‌ترین و هراسناک‌ترین لحظه‌ها، یاد و نام آرام‌بخش او، یاری رسان و همراهان باشد.

دوم: می‌گویند «چهارده قرن پیش پا به عرصه وجود گذاشته است و حکومتش ده سال به درازا کشید. عصر پیش از او عصر جاهلیت و نادانی بود و بعثتش لازم. او پیوند خورده به آسمان بود و گویای سخن خدا. امروزه عصر علم است و خرد، علم جایگزین وحی شده و ما را نیازی به او نیست.» شبهه‌هایی چون آن چه آمد، فراوان و بسیار در چند ساله سیاه اخیر گفته آمده است. شبهه‌هایی زهر آلود و کشنده که جز برای جدا ساختن بشریت از وجود نورانی و حیات‌بخش او، وارد نمی‌آید. اگر منصفانه و به دور از حب و بغض‌ها به تاریخ ۱۴ قرن گذشته تاکنون، نگاهی گذرا بیافکنیم، در خواهیم یافت که جاهلیت ثانی نه تنها همه زوایای جاهلیت و خشونت و سبیت ۱۴ قرن گذشته را با خود دارد، بلکه بت‌سازان زراندوز در پنهانی‌ترین لایه‌های مدنیت و مدرنیته و چهره پرفریب و نیرنگ زمانه، جدیدترین و به روزترین بهره‌کشی‌ها، آدم‌کشی‌ها، جنایت‌ها، ستم‌ها و خشونت‌ها را بر بشریت قرن ۲۱ رو می‌دارند. چگونه است که در مرده بازار امروز، مسیحای خوش نفس و همیشه زنده تاریخ را در صندوق خانه‌ها و موزه‌ها بسپاریم و شبهه‌هایی از این دست را بپذیریم، حال آن‌که ابوسفیان‌تر از ابوسفیان و ابوجهل‌تر از ابوجهل بر دنیا و بشریت حکم می‌راند. محمد (ص) و مرام او در همیشه تاریخ زنده است و نیاز بشریت به او همچون نیاز همه موجودات به نورانیت خورشید. نیاز ساکنان دهکده جهانی و قبیله بنی‌آدم در عصر سایبرناتیک و اینترنت و ماهواره به پیامبر خدا (ص) به مراتب بیشتر از نیاز مردم حجاز و قبیله قریش در عصر لات و هبل و عزی است.

سوم: نگاهی به فعالیت‌ها و تلاش‌های دشمنان اسلام در مطالعه و بررسی بر روی زندگی و مرام پیامبر خدا (ص) نشان از آن دارد که تا چه اندازه، شیطان پرستان و دنیا زدگان از این پدیده درخشان هستی، بر خود بیمناکند. سزاست در سال او هر آن کس که در خود هنری می‌بیند، با مدد از او، عزم خود را جزم و در انعکاس نورانیت ایشان تلاش کند و اثری هر چند کوتاه و اندک را به جامعه ارایه نماید. آیا شرم‌آور نیست وقتی که می‌شنویم، یکی از بزرگ‌ترین مراکز مطالعه و بررسی شخصیت پیامبر خدا (ص) در دنیا، دانشگاه «هبرو» اسرائیل می‌باشد که بیش از نیم قرن هزاران مقاله و کتاب را در این باره ارایه نموده و رشته‌ای به نام «محمد شناسی» در آن تدریس می‌شود؟ به راستی وقتی شنیده می‌شود که در یک دانشگاه از صدها دانشگاه آمریکا نزدیک به هزار رساله و پایان نامه برای یکی از مسایل اسلامی منتشر شده و در سال ۲۰۰۵ پر فروش‌ترین کتاب در آمریکا کتاب زندگی پیامبر (ص) می‌شود؛ نباید انگیزه و تلاش اندیشمندان دنیای اسلام دو چندان شود؟! پرسش‌هایی که آمد، نشان از آن دارد که در بدنه مجموعه‌های فرهنگی و علمی دنیای اسلام هیچ تلاش و همت شایسته‌ای برای پیامبر خدا (ص) و ترسیم راه و مرام او برای بشریت امروز انجام نگرفته و در مقابل پیش از آن که دوستدارانش در جست و جوی او باشند، دشمنانش در پی شناخت بیشتر اویند. فراموش نکنیم که بهترین نسخه درمان دردهای بشریت امروز، راه و مرام نبوی است.

چهارم: بیست و هفتم رجب که فرامی‌رسد، باید همه سر بر آستان حضرت حق سجده آریم و خداوند را برای بعثت پیامبر آخرینش، شکر گوئیم. شاید به تعبیر بزرگ مرد قرن غیبت، حضرت روح الله (س)، در همه عمر هستی، حادثه‌ای به بزرگی و عظمت بعثت پیامبر خدا (ص) رخ نداده باشد. انقلاب اسلامی ایران، حرکت و نهضتی بود از جنس حرکت انبیاء و به ویژه بعثت پیامبر خدا (ص). انقلاب اسلامی در همه زوایا و حادثه‌های رخ داده در سال‌های پیدایش آن، شباهت‌های فراوانی به سال‌ها و حادثه‌های انقلاب نبوی داشته و دارد. حضرت امام (ره) فرو ریختن چهارده کنگره کاخ شاهان ایرانی در هنگام میلاد پیامبر خدا (ص) را به برآورده شدن آرزوها و آرمان‌های حضرت ختمی مرتبت (ص) در چهارده قرن پس از او در ایران، تعبیر فرموده‌اند و انقلاب اسلامی را ثمره زحمات و مجاهدت‌های پیامبر خدا (ص) و صحابی مخلص ایشان دانسته‌اند. به راستی تا چه اندازه قدر و منزلت شجره بعثت پیامبر (ص) و میوه شیرین آن یعنی انقلاب اسلامی را دانسته و در پاسداری از آن کوشیده‌ایم؟ شاخه‌ها و برگ‌های سبز و پرطراوت این شجره طیبه در همه دنیای اسلام رو به گسترش و فزونی است. تنها با نیم نگاهی گذرا به لبنان و عراق می‌توان به عظمت، وحدت‌بخشی، اقتدار و راهگشایی مرام راستین پیامبر خدا (ص) در همه زوایای زندگی امروز پی‌برد. مرامی که تحقق بخش اندکی از آن همه بنیان‌های ستم و زور و جهل و خرافه را به لرزه آورده و رمز حقیقی وحدت و پایداری امت اسلام به شمار می‌آید. به راستی مردان پولادین اراده حزب الله لبنان با دستان خالی چگونه می‌توانستند در برابر پیشرفته‌ترین و مجهزترین لشکر نظامی دنیا پیروزمند و سربلند، پایداری نمایند؛ جز با تمسک به راه و مرام محمد (ص) و راهجویی از دو شعاع نورانی ثقلین؟

پنجم: بارها و بارها در روایات و تاریخ دیده و شنیده‌ایم که پس از پیامبر خدا (ص) شبیه‌ترین حکومت‌ها، حکومت علوی بوده است؛ تا آنجا که نماز خواندن علی (ع) یاد پیامبر (ص) را در دل‌ها زنده می‌کرد. راهبرد حسین بن علی (ع) نیز در هنگام برپایی قیام عاشورا، احیای سنت پیامبر خدا (ص) عنوان شد. حضرت روح الله (س) نیز پیش از پیروزی انقلاب، نمونه و معیار حکومت اسلامی را، حکومت نبوی و علوی بر شمرند. اینک ما می‌یم و راهی پرفراز و نشیب تا به میزان نزدیکی و دوری نسبت به این راه، خود را در روزگار و بوته آزمون‌هایش بنگریم. روشن است که امام منتظر و ماه غایب از نظر نیز شبیه‌ترین مردمان عالم است به پیامبر خدا (ص) چه در نام و چه در مرام. در دولت کریمه آخر الزمان آن چیزی را از حاکمان و عالمان می‌پذیرند، که از سنت پیامبر خدا (ص) و اسلام ناب برخاسته باشد. حضرت بقیه الله (عج) حکومتی خواهد داشت همچون رسول الله (ص) و این همان رمز همیشگی بودن، مانایی، حیات بخشی و تراوت مرام نبوی است تا آخر الزمان!